

دهن دختره باز میشه که فک بزنه ولی دیگه نمیتونم جلوی خودمو بگیرم و میرم جلو
ارمین معرفی نمیکنی؟ -

توجه دختره سمتم جلب میشه و بادیدنم یه تای ابروشو بالا میندازه
مهلا دختر خاله امیر که تاز باهاش آشنا شدی -

و با اکره ادامه میده

روشنا دختر عموی من -

وقتی نسبتمون رو میفهمه یه لبخند محو میاد رو لباش که باعث میشه پوزخند بزنی
دستشو جلو میاره و میگه
خوشبختم عزیزم -

بدون اینکه بهش دست بدم خیلی سرد زمزمه میکنم
همچنین -

..آی که وقتی ضایع میشه چقد دلم خنک میشه

با حرصی که از من داره رو به ارمین میگه

خیلی وقته ندیدمت -

باز من میپریم وسط حتی بخواد باهاش حرف بزنه باعث میشه حرصم بگیره

این روزا خیلی سرش شلوغه برای هر کارالکی وقت نداره -

صورتش میشه مثل گوجه و میگه

اها ... راستی خود تو چی چیکار میکنی باید دانشگاه بری نه؟ -

وای که خودش داره خودشو ضایع میکنه میخوام جوابشو بدم که ارمین دست بکار

میشه

روشنا دکتره الانم کار میکنه -

..نمیششششه دیگه نمیشه که یه نفر اینقد ضایع بشه

میگه

با اجازتون من برم پیش دوستام -

سریع میگم

البته .. بسلامت -

یه نفس عمیق میکشه و میگه

فعلا -

....و میره

صدای ارمین از پشت سرم بلند میشه

خب خب -

خیره میشم به گوشو میگم

برو صورتتو بشور -

متعجب میگه

!چیکار کنم؟-

یه پوف کلافه میکشمو بازوشو میگیرمو همونطور که باخودم میبرمش میگم

کو دستشوویی؟ -

بهم نشون که میده بی توجه به مردونه بودنش میبرمش داخل و میگم

سریع جایی که اون افریته بوسیده رو بشور -

نمیدونه بخنده یا تعجب کنه

!!روشنا -

باحرص میگم

زهرمار زود باش -

وقتی میبینم فقط زل زده بمن و هیچ کاری نمیکنه خودم دست بکار. میشمو دستمو

میبرم زیر شیر اب و حسابی گوشو میمالم یا به عبارتی کل حرصمو خالی میکنم رو

اون قسمت گوش

که دستمو میگیره و میگه

باورم نمیشه -

فقط نگاش میکنم که خیره به چشمام میگه

یعنی در این حد روم حساسی -

پر حرص زمزمه میگم

کسی جز من حق نداره بهت نزدیک بشه هیچ کس -

..حرفم تموم نشده دستشو میزاره پشت کمرم و خش لبامو به کام میگیره

اونقدر خش و پر حرص اینکارو میکنه که سریع وا میدمو همکاری میکنم .. که حرصی

ترش میکنم اینقد محکم منو به خودش فشار میده که حس میکنم الان استخونام

..پودر میشه اما برام مهم نیست چون این دردم لذت بخشه

غریقیم تو هوای خودمون که صدای پامیاد تابخوام بفهمم چیشده سریع هولم میده

داخل یکی از دستشویی ها و سرشو تکیه میده به پیشونیم

اروم زمزمه میکنه

کی دیگه کی میشی مال خود خودم؟ -

دستمو قاب میکنم دور صورتش و مثل خودش زمزمه میکنم

من خیلی وقته مال توام -

یه ثانیه چشماتشو میبنده و بعد خیلی سریع خم میشه لبمو گاز میگیره

نمیتونی ساکت باشی نه؟ -

با لبخند ابرو بالا میندازمو میگم

نچج -

خمار نگام میکنه ومیگه

دیونتم دختر دیوونه -

لبخند میزنمو چیزی نمیگم .. صبر میکنیم تا بالاخره صدای شیر اب میاد و پشت بندش

.. صدای قدم های یه نفر

رو بهش میگم

تو بمون لبتو پاک کن منم میرم دستشویی زنونه -

میره سمت اینه و به لباش نگاه میکنه

اوه اوه نگاه چیشد -

میخندمو میگم

من رفتم -

محکم گونمو میبوسه

منتظرت میمونم بیرون -

...سرمو تکون میدوممیرم

..دستمو تکیه میدم به شیراب و یه نفس عمیق میکشمو لبخند کنج لبم محو نشدنیه

رژلبمو بیرون میارم و همین که میخوام بکشم در باز میشه و قیافه نحس همون دختره

..پیدا میشه

عه توام اینجایی -

..یه لبخند خشکو خالی تحویلش میدمو چیزی نمیگم

راستی ارمین کجاست؟ ندیدمش -

..دستمو مشت میکنم تا فرو نره تو دهنش

بیحوصله میگم

همون جا بود وقتی من اومدم -

اهانی میگه همونجا وا میسته .. بدون اهمیت دادن بهش کارمو میکنم که میگه

رنگ رژلبت خیلی خوشکله -

بدون اینکه ذره ای دلم به حالش بسوزه قهوه ایش میکنم

خیلی سرد میگم

میدونم -

..وقیافه وا رفتشو ول میکنم و میرم بیرون

ارمین که تکیه داده به دیوار با دیدن من میگه

بریم هلوی من؟ -

دستمو دور بازوش حلقه میکنم

اوهوم -

.....

از وقتی اومدیم تو از کنار من جم نخوردی اگه میخوای بری پیش کسی بروها -

دستشو میندازه دور کمرم

از کنارت جم نخوردمو یه لحظه ام نمیخورم بعدشم هرکی کار داره اون بیاد منک -

باکسی کار ندارم

ابرومو بالا میندازمو نگاش میکنم

که میگه چیه

هیچی فقط اگه این همه غرورو پیش من داشتی خفت میکردم -

میخنده و باز اون چال گونه هاش دلبری میکنن

آدم که پیش عشقش مغرور نیس -

لبخند میزنمو میگم

بریم برقصیم؟ -

میخواد جواب بده که یه صدای آشنا از پشت سرم بلند میشه

خوش میگذره بچه ها؟ -

ارمین میخنده و میگه

میزبانی اصلا بهت نمیاد امیر -

خودمم توش موندم اخه این چه کاری بود من کردم -

روبه من ادامه میده

احوال شما ؟ -

ممنون -

الان این ممنون یعنی؟-

... اووووف چه گیریه

یعنی خوبم -

لبخند میزنه که ارمین میگه

روشنا کم حرفه -

لبمو میگزیم که نخندم ... اخه دروغ ضایع تر نبود؟

بله کاملا معلومه -

بااجازت ما بریم برقصیم -

البته خوش بگذره -

.. ارمین در جواب سری تکون میده و دست منو میگیره

اهنگش جوریه که کاملا توی بغلشم و کیه که دلش نخواد

من دیونه عطر تنتم -

ته دلم قیلی ویلی میره و میگم

منم دیوونه توام -

که دستاش دورم محکم تر میشه و بیشتر میچسبم بهش

باصدای لرزون میگه

نمیتونی چیزی نگی نه؟ -

سرمو بالا میارم خیره میشم تو چشمات

نه -

خیلی سریع پیشونیمو میبوسه و میگه

دیگه بریم که میترسم اختیارم در برع -

میخندم سر تکون میدم همون طور که داریم از پیست خارج میشیم سنگینی نگاهی

رو خودم حس میکنم سرمو که برمیدارم چشمم میخوره به یه دختر که سریع روشو

..برمیدونه و نمیزاره بینمش

!چیزی شده؟ -

سرمو تکون میدم میگم

نه -